دانشـــنامـــهٔ علـــوم اجتمـــاعی
دورهٔ ۳، شمـارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی مکانیزم تأثیر جامعه بر فرد در نظریهٔ نقش

کاظم سام دلیری *

(تاریخ دریافت ۸۹/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش ۹۰/٦/۱۵)

چکیده

این مقاله با اتکا به نظریه‌های نقش، دلایل و مکانیزم تأثیر جامعه را بر فرد بررسی می‌کند. بـر اسـاس این نظریه‌ها، افراد با اشغال موقعیت‌های گوناگون، با انتظارهای مشخصی روبه‌رو می‌شـوند. فـرد در برابر انتظارهای موجود دو راه مشخص پیش‌رو دارد: ۱. پذیرش، ۲. عدم پذیرش و درنتیجـه تنبیـه و طرد. افراد برای فرار از تنبیه و طـرد اغلـب راه اول را مـی‌پذیرنـد کـه بـه معنـای گـردن نهـادن بـه خواسته‌های جمع است. اما حاکمیتِ جامعه از راه موقعیت‌ها بر افـراد فقـط منحصـر بـه مـورد اول نیست؛ بلکه جامعه از راه در اختیار گذاشتن فرصت‌های ساختاری (حقوق و امتیـازات و امکانـات و شرایط نقشی) که برای هریک از موقعیت‌ها متفاوت است، بر اَعمال افراد و کیفیت آن سلطه می‌یابـد و باعث شکل‌گیری آن در مسیرهای مشخص می‌شود. تضادهای نقشی و نوع و کیفیت روابط افـراد در مجموعه‌های موقعیتی نیز همین پیامد را به‌همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: نقش، موقعیت، انتظارها، فرصت‌های ساختاری، اقتضاهای هنجاری.

دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس *kazemsd_49@yahoo.com

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مقدمه

برای رهایی از معضل تقابل فرد و جامعه (این مشکل به مسئلهٔ حل‌ناشده و قدیمیِ رابطهٔ فرد و جامعه و اولویت هرکدام بر دیگری اشاره دارد) و چگونگی انتظام جامعه- با وجود افـرادی بـا انگیزه‌ها، نیازها و اهداف گوناگون- نویسندگان مفـاهیمِ موقعیـت و نقـش را مطـرح کردنـد و پروراندند. این مفاهیم از یک‌سو مشکل پیوند فـرد را بـا جامعـه حـل کـرد و از سـوی دیگـر گشایندهٔ مشکل چراییِ نظم اجتماعی بود. هرچند این مفـاهیم و نظریـه‌هـای حامـل آن برخـی مشکلات قدیمی بشر را در فهم پدیده‌هایی چون چراییِ شکل‌گیری جامعـه و نظـم اجتمـاعی حل کرد، از سوی دیگر موجب بروز معضـلِ نظـر افراطـیِ حاکمیـت جامعـه بـر فـرد و عـدم کنشگری فرد در برابر جمع شد؛ به‌گونه‌ای که دلایل کنش اجتماعی فـرد و عمـل هماهنـگ بـا انتظارهای اجتماعی، موقعیت اشغال‌شده و نقش‌های محوّل و محقّق دانسته شـد. نتیجـهٔ چنـین نگاهی به جامعه و فرد، بی‌اختیـار دانسـتن فـرد در برابـر جمـع و نـاتوانی در تبیـین تغییـرات اجتماعی است که خود، یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود.

این مقاله می‌کوشد با ژرف‌نگری در مفاهیم برجستهٔ نظریه‌هایِ معروف به موقعیت و نقش، عوامل علّیِ موردنظر این نظریه‌ها را که به عقیدهٔ آن‌ها بر اعمال و افکار و حتی شخصیت افراد مؤثر است، نشان دهد. با اتکا به این مقدمه و با مبنا قرار دادن ایـن سـؤال: «عوامـل سـاختاری حاکم بر افراد در نظریه‌های نقش چه هستند و چگونه عمل می‌کنند؟»، بحث مقالـه پـی گرفتـه می‌شود. اما پیش از ورود به بحث، لازم است به انواع نظریه‌های نقش نظری کوتـاه بیفکنـیم و نسبت آن‌ها را با این مقاله روشن کنیم.

انواع نظریهٔ نقش

نظریه‌های معروف به نقش، طیفی از نظریه‌ها را با جهت‌گیرهای تحلیلیِ متفاوت به کنشگری فرد شامل می‌شود؛ درحالی که نظریه‌های اولیهٔ این حوزه، فرد را تحت حاکمیـت سـاختارها می‌دانست. اما در واکنش به آن، نظریه‌های جدیدی ارائه شد که بر کنشگری افـراد در برابـر ساختارها تأکید فراوانی داشت. با مـلاک‌هـای گونـاگون، دسـته‌بنـدی‌هـای مختلفـی از ایـن نظریه‌ها انجام گرفته است (کوزر، ۱۳۷۸ ;Biddle, 1986; Turner, 2002). با ملاک اختیار

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یا عدم اختیار فرد در موقعیت‌ها، می‌توان این نظریه‌ها را به سه دستهٔ ساختاری، کنش متقابلی و روان‌شناختی تقسیم کرد.

در نظریه‌های ساختاری نقش، همچون نظریه‌های لینتون (۱۹۳٦)، پارسونز (۱۹۵۱) و دارندورف (۱۳۷۷) تأکید نویسندگان بر موقعیت‌ها و جایگاه‌های افراد در اجتماع و انتظارات و هنجارهای مربوط به آن موقعیت‌هاست. در این دسته از نظریه‌ها، نویسندگان بر این باورند که نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از موقعیت‌ها شکل گرفته است که نسبت به افرادی که آن‌ها را اشغال می‌کنند جنبهٔ عینی و جبری دارد. جامعه برای هریک از این موقعیت‌ها انتظاراتی در نظر گرفته است که نقش افراد را شکل می‌دهد و اشغال‌کنندگانِ موقعیت‌ها چاره‌ای جز عمل به آن‌ها ندارند (بودن، ۱۳۸۳: ٦۷). پس جامعه از راه موقعیت‌ها و نقش‌ها انتظارهای خود را بر افراد تحمیل می‌کند.

در مقابلِ نظریه‌های ساختاریِ نقش، نظریه‌های روان‌شناختی قرار دارد. این نظریه‌ها بر جنبهٔ ادراکی نقش تأکید می‌کند (لوین‌سن، ۱۳۷۸: ۲۷۰؛ Biddle به نقل از Jackson, 1963). در نظریه‌های روان‌شناختی، نقش‌ها از تفسیر فرد و فهم و ادراک آنان دربارهٔ انتظارهای اجتماعی و نقشی شکل گرفته است. پس رفتارِ مبتنی بر انتظارها به فهم افراد از انتظارهای موجود و تفسیر آن‌ها وابسته است.

در میان این دو دسته نظریه، نظریه‌های کنش متقابلیِ نقش قرار می‌گیرد. نویسندگان معتقد به این نظریه‌ها اظهار می‌کنند نقش‌ها در کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرند. افراد طی کنش متقابل، انتظارها را از یکدیگر شکل می‌دهند و بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنند. به عقیدهٔ آنان، نقش‌ها الگویی از رفتار هستند که در کنش متقابل پویا در متن اجتماعی ظاهر می‌شوند (Carson, 2006). این‌گونه است که پایگاه‌ها و موقعیت‌ها که الگوهای رفتاری را برای افراد تعیین می‌کنند، در متن کنش متقابلی تولید می‌شوند.

در این بحث، نظریه‌های ساختاریِ نقش مبنای بررسی قرار خواهد گرفت؛ چرا که این نظریه‌ها نگاهی حداقلی به آزادی افراد در برابر ساختارها دارند. کنشگریِ حداقلیِ فرد در برابر ساختارها یا نتیجهٔ مستقیم قضایای این نظریه‌هاست، یا نتیجهٔ منطقی مباحث آن‌ها. تفکیک این دو، به فهم مباحث موردنظر بسیار کمک خواهد کرد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

زندگی در دنیای موزائیکی؛ تعریف موقعیت

به اعتقاد اندیشمندان نظریه‌های نقش، دنیای اجتماعی فارغ از افراد حاضر در آن، از شبکه‌ای از «موقعیت[1]»های به‌هم‌پیوسته و درهم‌بافته تشکیل شده است. موقعیت اجتماعی در معنای ذهنـی این نویسنده‌ها، «مکان اجتماعی» [۱] یا «جایگاه اجتمـاعی» در نظـام اجتمـاعی اسـت (لـوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ٤۹؛ لوین‌سن، ۱۳۷۸).

موقعیت اجتماعی چارچوبی است که نظام اجتماعی به‌وسیلهٔ آن محدوده و کیفیـت افکـار و رفتارها را شکل می‌دهد. به‌همین سبب، موقعیت اجتماعی برخلاف افرادی که به آن وارد یـا از آن خارج می‌شوند، دائمی و ایستا دانسته شده است. دائمی بودن موقعیت اجتمـاعی نسـبت بـه افرادِ حاضر در آن، به موقعیت اجتماعی ویژگی علّی می‌بخشد. ویژگی علّیِ موقعیت اجتمـاعی موجب تعیینِ شکل، نوع و محدودهٔ افکار و اعمال است (ترنر، ۱۳۷۰: ۲۳۵)؛ به این معنا اشغال موقعیت اجتماعی موجب شکل‌گیـری بسـیاری از افکـار و اعمـالِ افـراد اسـت. افـراد پـس از قرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعیِ مشخص، ملزم به برگزیدن نوع خاصی از فکر می‌شـوند و طبق آن رفتار خواهند کرد. به‌همین سبب، بسیاری بر این باورند که مفهوم موقعیـت و نقـش از قدرت پیش‌بینی‌کنندگیِ بسیار بالایی برخوردار است (پـالمر، ۱۳۸۰: ٤۹ ;Amankwa, 2005 Jacson, 1963: 12). آن‌ها معتقدند چنانچه بتوان جایگاه شخص را در جامعه تشخیص داد و درپی آن نقش‌های او را شناخت، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده او چگونه خواهد اندیشـید یا رفتار خواهد کرد.

فرد در نظام اجتماعی موقعیت‌های گوناگونی اشغال می‌کنـد و متناسـب بـا آن‌هـا، فرصـت یک‌سلسله روابط را بـا سـایر افـراد در موقعیـت‌هـای دیگـر مـی‌یابـد (دوورژه، ۱۳٦۹: ۱۲۲). قرارگرفتن فرد در موقعیتی با سلسله‌روابط و انتظارهای مشخص، انواع مشخصی از رفتار را بـر او تحمیل می‌کند. به‌همین دلیل، زندگی اجتماعی درون موقعیت‌ها و زمینه‌ها در جریـان اسـت (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۳۰). از دارندهٔ موقعیت اجتماعی خاص، انتظار اجرای نـوع خاصـی از رفتـار

1. Positions

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

می‌رود. این انتظارها نسبت به دارندگان موقعیت‌های دیگر نظام اجتماعی متفاوت است (شارون، ١٣٨٤: ١٤٦).

موقعیت‌ها را می‌توان به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد: محوّل و محقّق. موقعیت‌های محوّل آن‌هایی هستند که جامعه به افراد می‌دهد و افراد در پذیرش یا ردّ آن‌ها اختیاری از خود ندارند. موقعیت محقّق آن دسته از موقعیت‌هاست که با تلاش، خواست و اختیار فرد به‌دست می‌آید. دو موقعیت «فرزندی» و «دانشجویی» را در نظر بگیرید: فرد با زاده شدن در موقعیت فرزندی قرار می‌گیرد که در پذیرش یا ردّ آن هیچ اختیاری ندارد؛ اما با تلاش و کوشش خود می‌تواند به موقعیت دانشجویی دست یابد.

روابط اجتماعی درون موقعیت‌ها

هر موقعیتی در ساختار اجتماعی، شبکه‌ای از روابط را با موقعیت‌های دیگر برقرار می‌کند. این روابط می‌تواند به شکل طولی و سلسله‌مراتبی با موقعیت‌های بالا یا پایین و یا با موقعیت‌های هم‌جوار و هم‌عرض در درون نهادها باشد. اما آنچه اهمیت دارد این است که هر موقعیتی با مجموعه‌ای از موقعیت‌ها در ارتباط است. از ارتباط موقعیت‌ها با هم «مجموعهٔ موقعیتی» [٢] شکل می‌گیرد.

در نظام اجتماعی، به هر موقعیت وظیفه‌ای محوّل می‌شود و چگونگی رابطهٔ آن با سایر موقعیت‌های مجموعهٔ موقعیتی تعیین می‌شود. از سوی دیگر، از اشغال‌کنندهٔ موقعیت انتظارهای[1] مشخصی وجود دارد. این‌چنین است که مجموعهٔ موقعیتی با مجموعهٔ نقشی[2] [٣] (یعنی مجموعه‌ای از انتظارهای نقشی[3] یا هنجارها[4] و قواعد[5]) همراه می‌شود. فرد با اشغال هر موقعیت، وارد شبکهٔ روابطی با موقعیت‌ها و نقش‌ها می‌شود و همین ورود به شبکهٔ موقعیت‌ها، عامل تعیین‌کنندهٔ رفتار او است.

دانشجوی فرضی اشاره‌شده در بالا را در نظر بگیرید. او پس از قرار گرفتن در این موقعیت، با موقعیت‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند. این موقعیت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

1. Expectations
2. Role Set
3. Role Expectations
4. Norms
5. Rules

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دانشجویان دیگر، استادان و کادر آموزشی و اداری دانشگاه. بـا قـرار گـرفتن فـرد در موقعیـت دانشجویی، انتظارها از او، وظایف و تکالیفش و چگونگی ارتبـاطش بـا سـایر موقعیـت‌هـا در مجموعهٔ موقعیتی او نیز مشخص می‌شود.

نظام نهادی محصول ترکیب موقعیت‌ها

مجموعه‌ای از موقعیت‌ها و نقش‌هایِ دارای کارکرد[1] و وظایفِ[2] مشابه برای نظام اجتمـاعی کـه تلاش دارند نیازهای مشخصی از آن را تأمین کنند، نهاد[3] را تشکیل مـی‌دهنـد (میلـز و گـرث، ۱۳۸۰: ٤٥؛ اسکات؛ دوورژه، ۱۳٦۹: ۱۲۲؛ اسـکیدمور، ۱۳۸۵: ۱٦۸). بـا کنـار هـم قرارگـرفتن نهادهایی با وظایف و کارکردهای مکمّل، «نظام نهادی[4]» شکل می‌گیرد. به عقیدهٔ میلز و گـرث، نظام نهادی مجموعه‌ای از نهادهای درون ساختار اجتمـاعی اسـت کـه دارای نتـایج و اهـداف همسان است (۱۳۸۰: ٦۱-٦۲). این نظام‌هـای نهـادی را مـی‌تـوان بـه نظـام سیاسـی- نظـامی، اقتصادی، خویشـاوندی و دینـی- فرهنگـی تقسـیم کـرد. هریـک از ایـن نظـام‌هـا وظـایف و کارکردهای مشخص و متفاوتی برعهده دارند و درصدد دست‌یـابی بـه اهـداف تعیـین‌شـده در راستای تأمین نیازهای نظام اجتماعی هستند.

افراد به اقتضای اشغال هریک از موقعیت‌های اجتمـاعی مـی‌تواننـد وارد یکـی از نهادهـای جامعه و نظام‌های نهادیِ آن شوند. بدیهی است کـه بـه‌دلیـل تفـاوت در کارکردهـا و وظـایف نهادها و نظام‌های نهادیِ مختلف، وظایف افراد در هریک از آن‌ها متفاوت خواهد بود. تفـاوت در وظایف، تفاوت در «انتظارهای نقشی» را درپی خواهد داشت. انتظارهای نقشی در تعریفـی ابتدایی، چگونگی انجام وظایف درون موقعیت‌هاست. پس، تفاوت در کارکردهـا و وظـایف و انتظارهـای نقشـی در هـر نهـاد، نسـبت بـه نهـاد دیگـر، موجـب تفـاوت در عملکردهـایِ اشغال‌کنندگان هریک از موقعیت‌ها می‌شود.

دانشجوی موردنظر با قرار گرفتن در موقعیت جدید وارد نظام نهادی جدیدی (نظام نهـادی فرهنگی) با کارکردها، وظایف و انتظارهای نقشی جدید و گاه متفاوت بـا قبـل مـی‌شـود. ایـن

1. Function
2. Duties
3. Institution
4. Institutional System

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تغییر موقعیتی و درپیِ آن تغییر در وظایف و انتظارهای نقشی، تحولاتی را در افکار و اعمال او به‌وجود می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که فرد موردنظر دیگر با هویتی جدید (دانشجو) شناخته خواهد شد.

نقش اجتماعی[1] الگوی کنش

برای هر موقعیتی مجموعه‌ای از انتظارها وجود دارد که الگوی رفتار افراد را شکل می‌دهد. مجموعهٔ این انتظارها تعیین‌کنندهٔ ارزش‌ها و هنجارها، اخلاقیات، نوع پوشش و سبک رفتار افراد است. دارندورف (۱۳۷۷: ۹٦) نقش را رفتارهایی می‌داند که بر اساس الگوی ازپیش‌شکل‌گرفته انجام می‌گیرد. از نظر پارسونز (۱۹۵۱)، شیوه‌هایی خاص از عمل و الگوهای مشخصی از رفتار هست که نقش نامیده می‌شود. فرد با قرارگرفتن در هر موقعیت، ناگزیر از رفتار کردن بر اساس الگوهای مشخص‌شده برای آن و پیروی از انتظارهاست. با پیروی از انتظارها و رفتار بر اساس الگوها، اشغال‌کنندهٔ موقعیت در مسیر مسئولیت‌ها[2]ی تعیین‌شده عمل می‌کند. اما عمل به مسئولیت‌ها و پاسخ‌گویی به انتظارها، قواعد و الزام‌هایی را برای افراد ایجاد می‌کند؛ یعنی فرد برای انجام وظایف، ناگزیر از نوع خاصی از رفتار و درنظرگرفتنِ الزام‌هاست. به این معنا که موقعیت از طریق انتظارها نه‌تنها برای فرد تعیین می‌کند که «چه» کارهایی باید انجام دهد؛ بلکه «چگونگی» انجام آن کارها را هم مشخص می‌کند (لوپز، ۱۳۸۵: ٥٤) [٤].

وظیفهٔ[3] اجتماعی

یکی از ویژگی‌های هر موقعیت، «کارکرد» آن برای نظام اجتماعی است (مرتن به نقل از Bodreau, 2005). برای هر موقعیت، کارکردی در نظر گرفته شده است که برای رفع نیازهای نهاد، نظام نهادی و در نهایت نظام اجتماعی ضرورت دارد. از دارندهٔ هر موقعیت انتظار می‌رود پس از اشغال آن، با انجام وظایفی مشخص در جهت تحقّق این کارکردها رفتار کند. از سوی دیگر، در هر موقعیت، چگونگی رفتار اشغال‌کننده در برابر دارندگان موقعیت‌های مرتبط تعیین

1. Social Role
2. Responsibilities
3. Duty

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شده است. همین رفتارهای مورد انتظار «وظایفِ» اشغال‌کنندگان موقعیت‌ها را روشن مـی‌کنـد. هر فردی در هر موقعیتی «وظیفه» دارد در جهت کارکردهای آن رفتار کند. این‌گونـه اسـت کـه نیازهای «نهاد» تأمین می‌شود. از سـوی دیگـر، او در قبـال موقعیـت‌هـای مـرتبط در مجموعـهٔ موقعیتی و اشغال‌کنندگان آن‌ها نیز وظایفی دارد.

وظایف و کارکردهای موقعیت که انتظارهای اجتماعی آن‌ها را تعیین کرده اسـت، در شـکل هنجارها و قواعد و الزام‌ها برای چگونگی رفتار ظاهر می‌شـود (Herman et al., 2003). بـه این ترتیب، در کنار و مرتبط با مفهوم نقش که مجموعه‌ای از انتظارها در مورد رفتارِ دارنـدگان موقعیت اجتماعیِ مشخص است (دارندورف، ۱۳۷۷: ۵۵)، مفاهیمی دیگر همچون الگو، الـزام، هنجار (اقتضاهای هنجاری[1] یا تقاضاهای ساختاری[2]) سربرمی‌آورد. همـان‌گونـه کـه پیداسـت، مفهوم اساسی و محوری در مبحث نقش، «انتظار» است. انتظـارهـا در کنـار فشـارها و شـرایط مساعد ساختاریِ دیگر، رفتارهای افراد را شکل می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۳: ۲۱۹) و مشخص می‌کنـد فرد «چه» کارهایی را «چگونه» انجام دهد.

انتظارهای نقشی از چند منبع صادر می‌شود: اول اینکه این انتظـارهـا، انتظـار از سـوی کـلّ جامعه است [۵]؛ به این معنا که تعیین‌کنندهٔ آن جامعهٔ کلی اسـت و انتظـارهـا بـه شـکل «مـتن نمایش‌نامه» یا یک واقعیت اجتماعی [٦] بـر رفتـار دارنـدهٔ یـک موقعیـت مشـخص حکومـت می‌کند و به آن جهت می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۳: ۳۱۸؛ Hawila). جامعه برای هریک از موقعیت‌ها، رفتارهای خاصی را تعیین می‌کند و از دارندهٔ آن موقعیـت توقـع دارد متناسـب بـا آن انتظارهـا رفتار کند [۷] (Hawila). اشغال‌کنندهٔ موقعیت هم ناگزیر از اجرای آن انتظارهاسـت؛ زیـرا در صورت سرپیچی با واکنش جامعه روبه‌رو می‌شود. نوع دوم انتظـارهـا، مربـوط بـه گـروه‌هـای مرجع فرد است (دارندورف، ۱۳۷۷؛ ترنر، ۱۳۷۳: ۲۲۸). گروه‌های مرجع نقطهٔ ارجاع فرد برای شکل‌دادن به نگرش‌ها، ارزش‌یابی‌ها و رفتار است (Merton, 1972). این گروه‌هـا بـرای فـرد اهمیت دارد و فرد آرزو می‌کند به آن‌ها بپیوندد (کلاین‌برگ، ۱۳۷۲: ۵۲۹) و در تلاش است تـا با عمل به خواسته‌های آنان رضایتشان را جلب و خود را به آنان همانند کند. گروه‌هـای مرجـع

1. Contingent
2. Structural Demands

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در موقعیت‌های مشخص انتظاراتی از فرد دارند که فرد ملزم به اجـرای آن‌هاسـت یـا خـود را ملزم به اجرای آن‌ها می‌داند. سومین نوع انتظارها، انتظارِ افراد در سایر موقعیت‌هـای مجموعـهٔ موقعیتی است (Parsons به نقل از Jackson, 1963). افراد در سایر موقعیـت‌هـای مجموعـهٔ موقعیتی یا به‌عنوان «بازیگران» (ترنر، ۱۳۷۳) [۸] با فـرد مـوردنظـر در کـنش متقابـل‌انـد و یـا به‌عنوان «تماشاگران» تماشاچیِ کنش بازیگر نقش هستند. این افراد از شخص انتظارهایی دارند که او ناگزیر از اجرای آن‌هاست.

هریک از این سه گروه از هر موقعیت و دارندهٔ آن انتظارهایی دارند و اشغال‌کنندهٔ موقعیـت موردنظر به‌دلیل فشارهای بیرونی یا درونی ملزم به اجرای انتظارهای آنان اسـت. ایـن انتظارهـا ممکن است همگرا و در یک جهت واحد و یا در جهت‌های مختلـف و متضـاد باشـد. هرگـاه انتظارهای نقش مورد پذیرشِ جمع قرار گیرد و ضمانت اجرا و الگو پیدا کند، به هنجار تبـدیل می‌شود (Parsons, 1949). هنجارها در شکل قانون، رسم، عرف، میثـاق و پیمـان، سـنت و... ظاهر می‌شوند و ضمنِ تعیین الگوهای رفتار، به تحقّق انتظارهـا یـاری مـی‌رسـانند. هنجـارهـا معیارهای مورد قبول برای رفتار فرد یا گروه را تعیین می‌کنند. آن‌ها با تعیین بایدها و نبایـدهـا، ضمن الزام افراد به انجام نوع خاصی از رفتار، چگونگی انجام رفتارها (یا الگوهای رفتـاری) را نیز برای هر موقعیت مشخص می‌کنند. این‌گونه است که افراد هم محدودهٔ رفتارهـای مجـاز را می‌شناسند و هم می‌دانند که برای تحقّق اهدافِ جمعی یا فردی چگونه رفتـار کننـد. آن‌هـا بـا ارائهٔ معیارهای رفتاریِ قابل قبول به افراد، می‌فهمانند که در شرایط مشخص و معین چـه بایـد (یا نباید) انجام دهند. همچنین روشن می‌کنند که در موقعیتی که قرار دارند، چه انتظارهـایی از آنان می‌رود (رابینز، ۱۳۸۵: ٤٧٣).

سر باز زدن از هنجارهـا دشـوار اسـت؛ چـرا کـه واکـنش گـروه‌هـای مرجـع، افـراد درون موقعیت‌های مجموعهٔ موقعیتیِ مرتبط و یا واکنش افـراد در موقعیـت‌هـای خـارج از مجموعـهٔ موقعیتی را به‌همراه دارد. این‌چنین است که مفهومی دیگر مطرح می‌شود که بـه ضـمانت اجـرا معروف است. ضمانت اجرا ابزاری تنبیهی یا تشویقی در دست گروه‌های هنجار، و وسیلهٔ فشار برای اجرای نقش‌هاست. تعیین‌کننـدگان انتظارهـای نقشـی از راه ضـمانت‌هـای اجـرا مطمـئن

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

می‌شوند که اشغال‌کنندگان نقش‌ها به وظایف خود عمل کرده‌اند یا خیر و آیا به انتظارها پاسـخ می‌گویند؟

تضاد نقشی[1]

همان‌گونه که توضیح داده شد، برای هر موقعیتی دربارهٔ وظایف افرادِ اشغال‌کنندهٔ موقعیت‌ها در قبال نهادی که در آن قرار دارند و یا سایر موقعیت‌های مرتبط، انتظارهایی وجـود دارد. از فـرد انتظار می‌رود به شیوه‌ای خاص رفتار کند تا به این وظایف پاسـخ گویـد. پـس موقعیـت‌هـا از طریق انتظارها، هم برای افراد تعیین می‌کنند که «چه» وظایفی باید انجام دهند و هم اینکه آن‌ها را «چگونه» انجام دهند. از سوی دیگر، تناقض‌های موجـود در انتظـارهـایِ گونـاگون از افـراد موجب رفتارهای متفاوت آنان می‌شود. گفته شـد کـه انتظارهـای موجـود بـرای هـر موقعیـت می‌تواند از چند منبع صادر شود: جامعه، گروه‌های مرجع و افراد درون مجموعهٔ مـوقعیتی [۹]. اگر انتظارهای نقشیِ صادرشده از سوی این مراکز گوناگون و متضاد باشد، فـرد در میـان چنـد انتظار متضاد سرگردان می‌شود و رفتاری که بر اساس یکـی از انتظارهـا درپـیش گرفتـه اسـت برخلاف انتظارهای دیگر خواهد بود. بنابراین، از فرد رفتارهایی سرمی‌زند که از یک‌سو هم‌نـوا و از سوی دیگر ناهم‌نوا فرض می‌شود. پس موقعیت و نقش با قراردادنِ افراد در چهارراه‌هـای انتظارهای متفاوت، موجب ایجاد رفتارهایی مشخص در آن‌ها می‌شوند.

انتظارهای متفاوت و متضاد از فرد، به یک موقعیت واحـد مربـوط مـی‌شـود؛ امـا افـراد در زندگی اجتماعی در چندین موقعیت متفاوت قرار می‌گیرند. قرارگـرفتن فـرد در موقعیـت‌هـای متفاوت- درون یک نهاد یا در میان آن‌ها و یا در نظـام نهـادی متفـاوت- او را بـا انتظـارهـای گوناگون و گاه متضادی روبه‌رو می‌کند [۱۰]؛ چرا که انتظارها از فرد به‌اقتضـای موقعیـت‌هـای متفاوت، متفاوت خواهد بود. پیشتر گفتیم که فـرد بـا اشـغال هـر موقعیـت بـا مجموعـه‌ای از موقعیت‌ها و نقش‌ها ارتباط پیدا می‌کند. هریک از این مجموعه‌های مـوقعیتی مـی‌توانـد دارای یک گروه مرجع یا مجموعهٔ موقعیتیِ متفاوت باشد. پس اشغال چند موقعیت در چنـد نهـاد یـا

1. Role Conflict

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نظام نهادی متفاوت به دو دلیل موجب ایجاد رفتارهایی ناهم‌نوا در افراد می‌شود: یکی بـه‌دلیـل وظایف و نقش‌های متفاوت و دوم، انتظارهای متفاوت از سوی گـروه‌هـای مرجـع و افـراد در مجموعه‌های موقعیتی متفاوت. در این وضعیت، فرد یا ناگزیر از رها کردن برخـی انتظـارهـا و پاسخ‌گویی به بعضی دیگر است، یا انجام دادن هم‌زمانِ آن‌ها، یا وانهادن همهٔ آن‌هـا کـه در هـر صورت، پاسخ‌گویی یا عدم پاسخ‌گوییِ او تناقض رفتـاری یـا سـرپیچی از انتظـارهـا را درپـی خواهد داشت. این به آن معنا است که موقعیت‌های متفاوت با رودررو کردن فرد با انتظارهـای گوناگون او را به تناقض رفتاری می‌کشاند.

دربارهٔ انتظارهای نقشی هم می‌توان منتظر تضاد بود؛ به ایـن معنـا کـه در میـان بخـش‌هـای مختلف جامعه و گروه‌های درون آن، دربارهٔ چگونگی انجام وظایفِ فـرد اخـتلاف‌نظـر باشـد. می‌توان فرض کرد که گروه‌های مختلف جامعه هنجارهای متفاوتی دربارهٔ یک موقعیت داشـته باشند؛ به‌همین سبب برای چگونگی انجام وظیفه برای نقشی واحـد، قواعـد گونـاگونی وضـع کنند. در این معنا نیز فرد در موقعیت خود و ایفای نقش‌ها با دوگانگی و تناقض روبه‌رو است.

دانشجوی فرضی موردنظر را تصور کنید. او پس از حضور در موقعیت جدید با انتظارهـای تازه‌ای روبه‌رو می‌شود. انتظارهای جامعه از او بسـته بـه شـرایط جدیـد، بـا موقعیـت و نقـش گذشته (یعنی دانش‌آموزی) متفاوت است. انتظارهای جامعه از این فـرد دربـارهٔ نـوع پوشـش، آرایش، گفتار، نوع و کیفیت ارتباطات و مانند آن‌ها و حتی چگونگی نگـاه بـه امـور و مفـاهیم سیاسی، فرهنگی، دینی و غیره متفاوت است و متناسب با موقعیت جدید می‌شود. فرد نیز بایـد مطابق با انتظارهای جدید عمل کند؛ زیرا سر باز زدن از انتظارها پیامدهای ناخوشایندی برایش خواهد داشت. برای مثال، زیاد شنیده‌ایم که گفته‌اند فلان کار، لباس، آرایش، گفتار و... برازنـدهٔ دانشجو نیست. همین سخن نه‌تنها انتظارها را از موقعیت دانشجویی نشان می‌دهد، بلکـه خـود مکانیزمی بازدارنده در برابر انحراف از انتظارهاست؛ یعنی نوعی اعتراض به رفتار و انتقاد از آن است و ضمانت اجرا برای انتظارها را نشان می‌دهد (ضمانت اجرا بسته به نوع انحراف از اخـم تا طرد یا فراتر از آن حذف فیزیکی در نوسان است). این‌گونه است که در موقعیت جدید هـم

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

انتظارها برای فرد است (چه رفتارهایی انجام دهـد) و هـم چگـونگی تحقّـق انتظارهـا تعیـین می‌شود (کیفیت رفتار) و هم فرد ملزم به رعایت می‌شود.

هرچند بسیاری از انتظارها و چگونگی تحقّق آن‌ها برای دانشجوی فرضی مشـخص اسـت، به دلیل تفاوت در منابعِ تعیین انتظارها و هنجارها می‌توان ناهمخوانی و تضادهایی را در آن‌هـا مشاهده کرد. برای این دانشجو خانواده، استادان، کـادر اداری و آموزشـی و دانشـجویانِ دیگـر منبع تعیین انتظارها هستند. برای مثال، خانواده از فرد می‌خواهد با تلاش و گـرفتن نمـره‌هـای خوب وظایف دانشجویی خود را به‌خوبی انجـام دهـد. اسـتادان انتظـار دارنـد دانشـجویان بـا فراگیری دروس و انجام تکالیف، زحمات آنان را قدر بداننـد و بـه هـدر ندهنـد. کـادر اداری دانشگاه نیز خواستار پیروی دانشجو از مقررات دانشگاه است. اما در امتحانات پایان تـرم پـس از تلاش‌های فراوان برای یادگیری دروس، بـرای گـرفتن نمـره‌هـای خـوب (پاسـخ‌گـویی بـه انتظارهای خانواده و استادان) یک یا تعدادی از دانشجویان (افراد مجموعهٔ مـوقعیتی) خواسـتار دریافت پاسخ سؤالات از استاد هستند (تقلب). بنابراین فـرد در چندراهـهٔ انتظارهـای متفـاوت قرار می‌گیرد و بسته به قدرت ضمانت اجرای صـاحبان هریـک از انتظارهـا، بـه آن‌هـا جـواب می‌دهد. بنابراین، در این مثالِ ویژه، رفتار دانشـجو تـابع انتظارهـای متفـاوت و ضـمانت‌هـای اجرای آن‌هاست.

فرصت‌های ساختاری[1]، پیامد اشغال موقعیت و پذیرش نقش

برای موقعیت فقط وظیفه و تکلیـف تعیـین نشـده اسـت؛ در کنـار آن‌هـا، حقـوق و امتیـازات (Linton, 1936: 114; Parsons, 1945: 54) و امکانات و شرایط- برای انجام وظایف- نیز در نظر گرفته شده است [۱۱]. فرد با قرارگرفتن در هر موقعیـت، هـم موظّـف اسـت وظـایف تعیین‌شده برای آن موقعیت را انجام دهد و هم می‌تواند از امتیازات آن موقعیت سـود ببـرد. از سوی دیگر، او از این اختیار برخوردار است تا از امکانات آن برای انجـام وظـایف و یـا بهـرهٔ شخصی استفاده کند. بنابراین فرصـت‌هـای سـاختاری، فرصـت‌هـایی اسـت کـه سـاختارهای

1. Structural Opportunities

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اجتماعی را در اختیار افراد قرار می‌دهد. این فرصت‌ها می‌تواند با فراهم آوردن شرایط مشخص، بر رفتار افراد تأثیر گذارد.

الف. حقوق[1] و امتیازات[2]

موقعیت‌ها بسته به نوع وظایف و کارکردها و اهمیتشان، از حقوق و امتیازات متفاوتی برخوردارند (Linton, 1936). هرچه اهمیت موقعیتی بیشتر باشد، حقوق و امتیازات آن نیز بیشتر خواهد بود [۱۲]. حقوق و امتیازات هر موقعیتی ممکن است شأن یا اعتبار، کشش و جاذبه، میزان آزادی، دستمزد و ثروت، نفوذ و مانند آن باشد (مندراس و گورویچ، ۲۵۳٦: ۱۵۵؛ شارون، ۱۳۸٤: ۸٦). این حقوق و امتیازات را می‌توان در چند طبقه جای داد: ۱. حقوق بوم‌شناختی مانند حق اشغال فضای شخصی (خانه، اتاق کار و...)؛ ۲. حقوق اقتصادی شامل برخی ارزش‌های مادی که برای حیثیت در سطحی مناسب با پایگاه ضرورت دارد؛ ۳. حقوق مربوط به «آسایش خیال» که شهرت اخلاقی (پرستیژ و اعتبار) معینی به فرد می‌دهد (Znaniecke, 1940: 16)؛ ٤. دارایی فرهنگی شامل اطلاعات، مهارت، دانش و شناخت (چلبی، ۱۳۸٦: ۳٦). آگ‌برن (۱۳۵۳: ۲۰۸) این حقوق را شأن‌های زندگی می‌داند. به عقیدهٔ او، شأن‌های زندگی مجموعه توانایی‌های هر فرد یا گروه برای برخورداری از مزایای زندگی، درآمد کافی و آسایش در رشد و عافیت و امنیت و آزادی است.

ب. امکانات[3] و شرایط[4] نقشی

حقوق و امتیازات فقط بخشی از منابعی است که از طریق موقعیت‌ها در اجتماع توزیع می‌شود. بخش دیگر این منابع، امکانات و تسهیلات و شرایطی است که برای انجام وظایف به هر موقعیت وابسته است. به نظر لوین‌سُن، علاوه بر اقتضاها و تکلیف‌ها (اقتضاهای هنجاری) که از طریق موقعیت بر فرد تحمیل می‌شود؛ موقعیتِ فرد، فنون،

1. Rights
2. Privileges
3. Chances
4. Conditions

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

منابع و شرایط کار را هم برای انجـام کارکردهـا در اختیـار اشـغال‌کننـده قـرار مـی‌دهـد (لوین‌سُن، ۱۳۷۸: ۱۷۳). لوین‌سُن این مطلب را با عنوان «امکانات نقشـی» مفهـوم‌سـازی می‌کند.

در هر موقعیت، افراد برای انجام وظایف خودشان نیازمندِ به‌کـارگیریِ امکانـات، ابـزار، دانـش و استفاده از شرایط یا در نظر گرفتنِ آن‌ها هستند. اساساً بدون وجود هریک از این منابع، امکـان انجـام وظایف متصوّر نیست. این منابع از طریق موقعیت‌ها میان اعضا توزیع می‌شود تا آنان وظـایف خـود را انجام دهند. از سوی دیگر، افراد اسیر شرایطی هستند که موقعیت برای آن‌ها ایجاد می‌کند.

اعضا به‌واسطهٔ اشغال برخی موقعیت‌ها، خارج از خواست، نظم و پـیش‌بینـیِ اجتمـاعی، بـه منابعی فراتر از حقوق و امتیازات دست می‌یابند. برخی موقعیـت‌هـا بـرای فـرد ایـن امکـان را فراهم می‌کنند تا خارج از قواعدِ پیش‌بینی‌شدهٔ اجتماعی (قانون، عرف، اخـلاق و...) بـه برخـی منابع دسترسی پیدا کنند. این امکان که ناشی از ساختار فرصتِ تـأمین‌شـده از سـوی موقعیـت است، فرد را برای سود بردن از برخـی امتیازهـا و امکانـات نقشـی خـارج از قواعـدِ پذیرفتـهٔ اجتماعی توانا می‌کند. فرد با اشغال موقعیت نه‌تنها به حقوق و امتیـازاتِ تعیـین‌شـده دسترسـی پیدا می‌کند و برای انجام وظایف، امکاناتی در اختیارش قرار می‌گیرد؛ بلکه به منابعی خـارج از قواعد پیش‌بینی‌شده نیز دست می‌یابد. بخشی از این منابع ناشی از شرایطی است که موقعیت با قراردادن فرد در شبکهٔ روابط با موقعیت‌های مجـاور، بـرای او فـراهم مـی‌آورد. دسترسـی بـه اطلاعات از این نوع است.

امکانات نقشی ازآن‌رو به موقعیت و افراد مستأجر [۱۳] اختصاص مـی‌یابـد تـا وظـایف در جهت تأمین نیازهای نظام اجتماعی به‌خوبی انجام گیرد. یکی از این امکانات- که شـرایط کـار است- امکان پنهان ماندن فرایند انجام وظایف از دید سـایر افـراد در مجموعـه‌هـای مـوقعیتی مرتبط است (اُتو به نقل از صدرنبوی، ۱۳۸٤: ۳۱۱). هنجارهای نقشیِ برخـی موقعیـت‌هـا ایـن امکان را برای افراد درنظر گرفته‌اند تا آنان برای انجام هرچه بهتـر وظـایف، آن‌هـا را بـه‌دور از نگاه دیگران انجام دهند. برخی نقش‌ها به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود، برای انجام هرچه بهتـر وظایف، نیاز به پنهان کردنِ فرایند ایفای نقش از نظر دیگران دارند. هرچند پنهان ماندن فعالیتِ

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

این‌گونه نقش‌ها موجب انجام دادن هرچه بهتر وظایف می‌شود، از پیامدهای آن، کاهش کنترل اجتماعی بر ایفاگران نقش است (Merton, 1975). به این دلیل است که افراد در موقعیت‌های دیگر مجموعهٔ موقعیتی و حتی گروه‌های مرجع، از اینکه افراد «چه» وظایفی را «چگونه» انجام می‌دهند، آگاه نیستند. این شرط در کنار افزایش کارایی، امکان انحراف از هنجارها را افزایش می‌دهد. نقش سیاسی یکی از نقش‌هایی است که در آن بالاترین پنهان‌کاری در انجام وظایف به‌چشم می‌خورد (Ibid).

دانشجوی موردنظر پس از طی دورهٔ تحصیل، به‌واسطهٔ فعالیت‌های سیاسی خود و ایجاد روابط با احزاب حاکم وارد منصب دولتی می‌شود (تغییر موقعیت و حضور در نظام نهادی سیاسی که کسب آن، خود ناشی از حضور در موقعیت دانشجویی است). به‌واسطهٔ حضور در موقعیت جدید، به حقوق و مزایایِ به‌لحاظِ کیفی و کمّی متفاوت با موقعیت قبل دست می‌یابد: درآمد بالا، خانهٔ سازمانی، راننده، مسافرت‌های داخلی و خارجی و مانند آن. از سوی دیگر، در موقعیت جدید برای انجام وظایف، امکانات و شرایطی در اختیارش گذاشته می‌شود: دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، ماشین دولتی، دفترکار و... . همچنین امکاناتی از قِبَل حضور در موقعیت جدید به‌دست می‌آورد که در قانون تعریف نشده است: ارتباط با مدیران سطح بالا و افراد و خانواده‌هایی از طبقات ثروتمند، آگاهی از طرح‌های اقتصادی و خدماتی که فقط تعداد اندک‌شماری از آن باخبرند، دسترسی به رسانه، امکان ادامهٔ تحصیل در سطوح عالی یا آموزش‌های تخصصی و مانند آن. همهٔ این برخورداری‌ها موجب می‌شود دانشجوی موردنظر که در دوران دانشجویی دارای گرایش‌های ضد تجمّلی و عدالت‌طلبانه بود، در کار و زندگی به‌گونه‌ای عمل کند که مصداقی از تجمّل‌گرایی و نشانه‌ای از فاصلهٔ طبقاتی باشد.

سبک‌های رفتاری

استفاده از حقوق و امتیازاتِ مربوط به هر موقعیت، شیوه‌ای خاص از زندگی (سبک رفتاری و زندگی) را در اختیار افراد می‌گذارد. از افراد در جایگاه‌های گوناگون و متفاوت انتظار می‌رود بر اساس نوع امتیازات کسب‌شده، شیوه‌ای خاص از رفتار و سبک زندگی را اختیار، و به آن

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عمل کنند. پس، جامعه از طریق موقعیت‌ها و جایگاهی که در سلسله‌مراتب اجتمـاعی بـه فـرد تعلق می‌گیرد، سبک زندگی او را مشخص می‌کند.

انواع نقش با ملاک آزادی افراد

نقش‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس ملاک‌های مختلف به انواع متفاوتی تقسیم کـرد. روش بلاو (۱۳۷۲: ۲۲۰) با ملاک اجبارآمیز بودن یا میزان آزادیِ افراد، نقش‌ها را به سه دستهٔ: نهادی، گروهی و شخصی تقسیم می‌کند. به‌عقیدهٔ وی، نقش‌های نهـادی نقـش‌هـای خـارجی و عینـی هستند و بر فرد تحمیل می‌شوند. این نقش‌ها بر افراد مقدم‌اند و افراد درون آن‌ها فقط همچـون مستأجری وارد و از آن خارج می‌شوند. نقش‌های نهادی بر اساس تعریـف‌هـای اسـتواری بنـا شده‌اند و امکان تغییر آن‌ها دشوار است و فرد درون آن‌ها آزادی کمتری دارد [۱٤]. نقـش‌هـای گروهی به نقش‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در آن‌ها از آزادی بیشتری- نسـبت بـه نقـش‌هـای پیشین- برخوردار است. در این نقش‌ها اعضای گروه بر حسب وظایفی که برعهده دارند و نیز بر اساس انگیزه‌های شخصی- گرچه به‌گونه‌ای نسبتاً قابل پـیش‌بینـی و مـنظم- از هـم متمـایز می‌شوند. در نقش‌های شخصـی، نسـبت بـه دو نقـش دیگـر، از آزادی بیشـتری برخوردارنـد. بنابراین، این مفهوم «عنصری اصیل و غیرقابل پیش‌بینی را در رفتارهای اجتماعی وارد می‌کند.» (همان‌جا).

با همین ملاک، هرمن و دیگران (۲۰۰٤) نقش‌ها را به اجتماعی و رسـمی تقسـیم مـی‌کننـد [۱۵]. به نظر آنان، نقش‌های اجتماعی نقش‌هایی هستند که انتظارها از آن‌ها کـاملاً مشـخص و روشن نیست؛ ازاین‌رو افراد در آن‌ها از آزادی بیشـتری برخوردارنـد. امـا نقـش‌هـای رسـمی، برخلاف نقش‌های قبلی، ثابت و با انتظارهای روشن و تغییرناپذیرند؛ به‌همین سبب آزادی افراد در آن‌ها به حداقل می‌رسد. هاویلا و اِلگن و هولِنبِک (۱۹۹۱) در طبقه‌بندی خود از نقش‌ها، به نقش شغلی اشاره دارند. نقش شغلی مورد نظر این نویسنده‌ها را می‌توان جزئـی از نقـش‌هـای رسمیِ تعریف‌شده از سوی هرمن و دیگران و ذیل نقش نهادی موردنظر بلاو دانسـت. در ایـن نوع نقش، مجموعه‌ای از وظایف دیده می‌شود که عینی، بروکراتیک و غیرپویاست و انتظارها و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

وظایف آن‌ها چنان روشن و مشخص است تا در شکل قوانین و سلسله‌مراتب رسمیت یابد. به‌همین سبب، فرد پس از قرارگرفتن در این‌گونه نقش کمترین آزادی را داراست. اگر نقش شغلی را با نقش بیانی[1] مقایسه کنیم، این عینیت به‌وضوح نمایان می‌شود. نقش بیانی مانند نقش عالِمِ علوم دینی و عالم اخلاقی، شاعر، نویسنده، هنرمند و مانند آن که بر «منتقل کردن افکار و تجربه‌های عاطفی و کاربرد نمادهای جاری جامعه» مبتنی‌اند (مندراس، ۲۵۳۶: ۱۵٤)، برای فرد آزادی فراوانی قائل می‌شود تا جایی‌که فرد اغلب حتی هنجارهای نقشی را خود تعریف می‌کند.

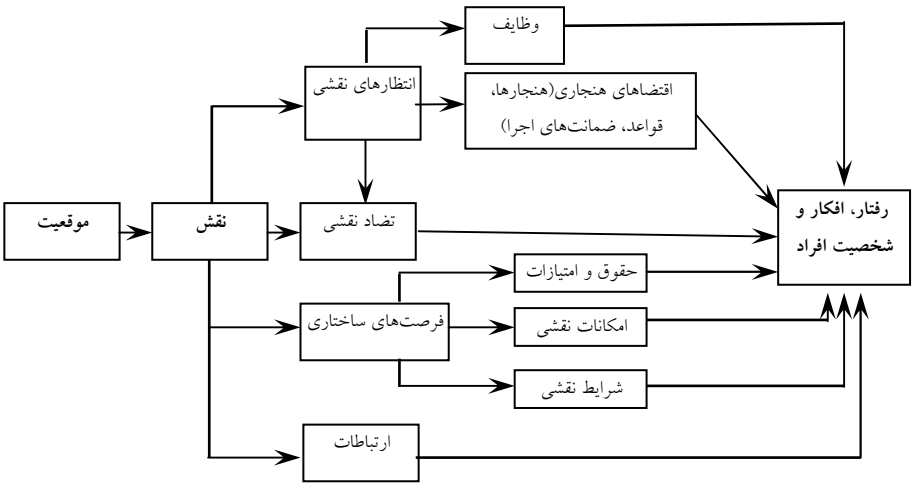

شکل ۱ مدل تأثیر جامعه از طریق موقعیت و نقش بر افراد

نتیجه‌گیری

مفاهیم موقعیت و نقش از یک‌سو ابزار نظری مناسبی برای تجزیهٔ جامعه و تقلیل آن به عناصر مبنایی به‌دست می‌دهد و از سوی دیگر، چارچوبی نظری برای تبیین دلایل کنش فرد- در سطح خرد- و نظم اجتماعی– در سطح کلان- است. با استفاده از این دو مفهوم و نظریات

1. Role Expression

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

حامل آن‌ها، هم می‌توان توصیفی دقیق از ساختارهای جامعه به‌دست آورد و هم عوامـل کـنش فرد و نظم اجتماعی را تبیین کرد. هرچند مرور نظریه‌های نقش در این مجال اندک هر سهٔ این نتایج را به‌همراه دارد، این متن فقط بر کشف عوامل ساختاری کنش فرد متمرکز است.

با تشریح نظریه‌های نقش، دریافتیم که در درجهٔ نخست انتظاراتی که از فرد در موقعیت‌های مختلف وجود دارد، کنش اجتماعی او را شکل می‌دهد. فارغ از اینکه چـه کـس- یـا کسـانی- موقعیت‌ها را اشغال کنند، از پیش انتظارهایی دربارهٔ نـوع وظـایف موقعیـت‌هـا و رفتـار افـراد حاضر در آن‌ها وجود دارد. این انتظارها مشخص می‌کنند که افراد چه کارهایی را انجام دهند و آن‌ها را چگونه انجام دهند. ازاین‌رو، هم نوع وظایف و رفتارهای افراد در موقعیت‌هـا از پـیش مشخص است و هم چگونگی انجام آن‌ها. برای جلوگیری از تخطّـی از انتظارهـا، هنجارهـا و قواعد و الزام‌هایی تعبیه شده است که جلـوی فـرار از انجـام وظـایف را مـی‌گیـرد یـا هزینـهٔ سرپیچی از آن را به حداکثر می‌رساند. همهٔ این‌ها اولین عامل ساختاری مؤثر بر کنش اجتماعی فرد است. اما موقعیت و نقش فقط از این راه بر کنش فرد مؤثر نیسـت؛ بلکـه جامعـه از راه در اختیار نداشتن فرصت‌های ساختاریِ مشخص برای هر موقعیت (حقوق و امتیازات و امکانـات و شرایط نقشی)، پایگاه و سبک زندگی و رفتار دارندهٔ آن موقعیـت را نیـز مشـخص مـی‌کنـد. بنابراین، عامل ساختاری دیگرِ شکل‌دهنده به کنش فرد، فرصت‌های ساختاری تعلـق‌گرفتـه بـه یک موقعیت است. از سوی دیگر، مجموعه روابطی که فرد پـس از اشـغال موقعیـت بـا افـراد مجموعهٔ موقعیتی خود پیدا می‌کند (به‌دلیل تغییر نـوع و کیفیـت روابـط) بـه‌همـراه تضـادهای نقشی- که نتیجهٔ انتظارهای متفاوت و متضاد از فـرد و موقعیـت‌هاسـت- از عوامـل دیگـر در شکل‌دهی به کنش‌های اجتماعی افراد است.

پی‌نوشت‌ها

۱. social Locus معادل کلمهٔ Position، واژه‌های مقام، شأن، موضع و وضعیت هـم بـه‌کـار بـرده می‌شود.

۲. Position Set دارندورف (۱۳۷۷: ۵۱) این مفهوم را با اصطلاح «میدان مـوقعیتی» (positional Field) به‌کار می‌برد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۳. مرتن (۱۹۵۷) معتقد است: دو نظر دربارهٔ انواع نقش‌هایی که فرد بازی می‌کند وجود دارد؛ اولین نظر- که ازآنِ لینتون است- آن است که فرد در موقعیت‌های مختلف، نقش‌های مختلفی بازی می‌کند. این به آن معناست که در هر موقعیت فقط یک نقش وجود دارد (نقش‌های چندگانه). اما به نظر مرتن، هر فرد در هر موقعیت می‌تواند چندین نقش داشته باشد. این معنا را مرتن با اصطلاح «مجموعهٔ نقش» توضیح می‌دهد.

٤. مرتن (1949: 132) این دو بعد از انتظارهای نقشی را با عنوان «اهداف مشروع» و «هنجارهای تنظیم‌کنندهٔ» رفتار [ابزارهای مشروع] برجسته می‌کند. همچنین اسکات معتقد است نقش‌ها اهداف، ابزارها و نگرش‌هایِ به‌لحاظ فرهنگی مشروع را برای کسانی که یک موقعیت ویژه را اشغال نموده‌اند تعریف می‌کنند.

۵. دارندورف (۱۳۷۷) در بخش انتظارهای اجباری بر آن است که زمانی انتظارها اجباری می‌شوند که کل جامعه گروه مرجع فرد به‌شمار آیند.

٦. این اصطلاح را در تعریفی دورکیمی، به معنای عینی، تحمیلی و بیرونی به‌کار می‌بریم.

۷. هاویلا از این انتظارات با عنوان تقاضای (Demand) نقش نام می‌برد.

۸. پارسونز از آن با عنوان «دیگری» یاد می‌کند (Jackson, 1963).

۹. ترنر (۱۳۷۳: ۲۲۸) انواع انتظارها را ناشی از هنجارها، دیگران و گروه‌های مرجع می‌داند.

۱۰. مرتن و باربر این وضعیت را نوعی «دوگونگی جامعه‌شناختی» می‌دانند (کوزر، ۱۳۸۷: ۵۲۷).

۱۱. برخی همانند لینتون (۱۹۳٦)، Status را به‌جای واژهٔ Position به‌کار می‌گیرند. Status در تعریف لینتون، دارای معنایی وسیع‌تر از Position است؛ چرا که علاوه بر نشان دادن یک جایگاه در اجتماع، وضع آن را نیز در سلسله‌مراتب اجتماعی- که با ارزیابی از طرف جامعه مشخص می‌شود- نشان می‌دهد. به‌همین دلیل است که لینتون Status را دارای دو ویژگی می‌داند: ۱. موقعیتی در الگویی ویژه؛ ۲. مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف (به نقل از کوزر، ۱۳۸۷: ۲۹۳؛ آبراهامز، ۱۳٦٤: ٦٦۷-٦٦۸).

۱۲. مرتن معتقد است توزیع اجتماعی منابع بر اساس موقعیت‌ها انجام می‌گیرد؛ منابعی همچون اقتدار، قدرت، نفوذ و اعتبار. به عقیده‌ی او، این فرایندِ توزیع منابع همان «ساختار فرصت» اجتماعی است (به نقل از گرونژز، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

۱۳. افراد ازآن‌رو مستأجر موقعیت‌ها دانسته می‌شوند که همچون مستأجر در حال تردّد در ساختمان موقعیت هستند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۱٤. هاویلا نیز همانند بلاو نقش‌ها را به نهادی و شغلی تقسیم می‌کند، با این تفاوت که نقش نهادی بـه نظر او به نقش‌های غیرسازمانی (همچون نقش‌های خانوادگی) اشاره دارد.

۱۵. مرتن و کیت نیز از هنجارهای رسمی و غیررسمی نام می‌برند (کوزر، ۱۳۸۷: ۲٦۲).

منابع

- آبراهامز، جی اچ. (۱۳٦٤). ***مبانی و رشد جامعه‌شناسـی***. ترجمـهٔ حسـن پویـان. [بـی‌جـا]: چاپخش.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۸۵). ***تفکـر نظـری در جامعـه‌شناسـی***. جمعـی از مترجمـان. قـم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آگ برن و نیم کف. (۱۳۵۳). ***زمینه‌های جامعه‌شناسی***. اقتبـاس از ا. ح. آریـان‌پـور. تهـران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- بودون، ریمون. (۱۳۸۳). ***منطق کنش اجتماعی***. ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- پالمر و همکاران. (۱۳۸۰). ***نگرش جدید به علم سیاست***. ترجمهٔ منوچهر شـجاعی. تهـران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ترنر، جاناتان اچ. (۱۳۷۱). ***پیدایش نظریهٔ جامعه‌شـناختی***. ترجمـهٔ عبـدالعلی لهسـایی‌زاده. مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ـــــــــــــــــــ (۱۳۷۳). ***سـاخت نظریـهٔ جامعـه‌شناسـی***. ترجمـهٔ عبـدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ـــــــــــــــــــ (۱۳۷۸). ***مفاهیم و کاربردهـای جامعـه‌شناسـی***. ترجمـهٔ محمـد فولادی و محمد بختیاری. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). ***تحلیل اجتماعی در فضای کنش***. تهران: نشر نی.
- ـــــــــــ (۱۳۸٦). ***جامعه‌شناسی نظم و تحلیل نظری نظم اجتماعی***. تهران: نشر نی.
- دارندورف، رالف. (۱۳۷۷). ***انسان اجتماعی*** (جستاری در باب تاریخچه، معنا و مقوله نقش اجتماعی). ترجمهٔ غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- دوورژه، موریس. (۱۳٦۹). ***جامعه‌شناسی سیاسی***. ترجمهٔ ابوالفضل قاضی. انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۵). ***رفتار سازمانی: مفاهیم. نظریه‌ها، کاربردها***. ترجمهٔ علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- روش بلاو- اسپنله، آن‌ماری. (۱۳۷۲). ***مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی؛ مطالعات تاریخی- انتقادی***. ترجمهٔ ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- شارون، جوئل. (۱۳۸٤). ***ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی***. ترجمهٔ منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- صدر نبوی، رامپور. (۱۳۸٤). ***گفتارهایی در علوم اجتماعی***. مشهد: انتشارات ۵۹.
- فریگان، نورمند ل. و هری جکسون. (۱۳۸۱). ***رهبری سازمانی***. ترجمهٔ ایرج والی‌پور. تهران: مرکز آموزش دولتی.
- کلاین‌برگ، اتو. (۱۳۷۲). ***روان‌شناسی اجتماعی***. ترجمهٔ علی‌محمد کاردان. تهران: اندیشه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). ***جامعه‌شناسی***. ترجمهٔ منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لوپز. خوزه و جان اسکات. (۱۳۸۵). ***ساخت اجتماعی***. ترجمهٔ حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- مرتن، رابرت و باربر. (۱۳۷۸). «دوگونگی جامعه‌شناختی» در ***نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی***. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ. تهران: نشر نی.
- مندراس، هانری و ژورژ گورویچ. (۲۵۳٦). ***مبانی جامعه‌شناسی***. ترجمهٔ باقر پرهام. تهران: سپهر.
- میلز، سی. رایت و هانس گِرث. (۱۳۸۰). ***منش فرد و ساختار اجتماعی*** (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی). ترجمهٔ اکبر افسری. تهران: آگه.
- Amankwaa, Linda Chark. (2005). Maternal Postpartum Role Collapse as a Theory of Postpartum Depress.
<http://www.nova.edu/sss/>

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Biddle, B. J. (1986). "Recent Developments in Role Theory". *Annual Review of Sociology*. Vol. 12.
- Boudreau, Kelly. (2005). *Role Theory: The Line BetweenRoles as Design and Socialization in Ever quest*.
- Carson, Jay. Britton. (2006). Internal Team Leadership: An Examination of Leadership Role, Role Structure, and Member Outcomes, Faculty of The Graduate School of University of Maryland, College Park, In Partial Fulfillment of The Requirements For The Degree of Doctor of Philosophy.
- Hawila. Virpi. the Role of the Intermediary in International Basiness Relationships, Theoretical Framework.
- Herrmann, Thomas, Isa Jahnke & Kai- Uwe Loser. (2004). the Role Concept as a Basis for Designing Community Systems.
- Herrmann. Thomas, Isa Jahnke & Kai- Uwe Loser. (2003). Designing Community System Based on Role- Taking and Role Making. University of Dortmund.
- Ilgen, D. R. & J. R. Hollenbek. (1997). "The Structure of Work. Jab Design and Roles" in Dunette, M. D, Hoage, L. M. (Eds.). *Handbook of Industrial and Organizational Psychology*. Vol. 2. Paolo Alto, cul: Fornia: Consulting Psychologists Press. PP. 165- 207.
- Jackson, Jay. (1963). *A Conceptual and Measurement model For Norms and Roles*. National Institute of Mental Serves.
- Levinson. D. J. "Role, Personality, and Social Structure". *Journal of Abnormal and Social Psychology*. Lv III.
- Linton, Ralph. (1936). *the Study of Man; Appleton- Century- Crofts*. New York.
- Merton, R. K. (1972). *Social Theory and Social Structure*. New York: The

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Macmillan Company, Free Press.

- _____ (1957). "The Role- Set; Problems in Sociological Theory" *The British Journal of Sociology*. Vol. v III.
- Parsons, Talcott. (1951). *the Social System*. New York: Free Press.
- Parsons. T. (1949). *The Structure of Social Action: A Study in Social Theory with Special Reference to a Group of Recent European Writers*. New York: free Press.
- Parsons, Talcot. (1967). "on the Concept of Political Power". *Sociological Theory and Modern Society*. New York: Free Press.
- Scot, John. (1994). Power; Critical Concepts, Pout ledge.
- _____. "Status and Role, Structural Aspect" in *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*. Edited by Niel Smelser and Paul B Baltes. Section: Sociology Edited by Raymond Boudon.
- Turner. Ralf. H. (2002). ***R**ole Theory, Hand Book of Sociological Theory*. Edited by. Jonathan H. K. Luwer New York Academic/ Plenum Publishers.
- Znaniecke. F. (1940). *The Social Role of the Man of Knowledge*. Columbia University Press.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]